

# درد نهفته

اندرو میلر

ترجمه

منوچهر بیگدلی خمسه

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر اسیم  
تهران - ۱۳۹۸

جیمز دایر، جناب لسترید، دیدو، مری، لیدی هالم - همگی اشخاص خیالی، شهروندان تخیل‌اند که در قرن هجدهم ذهن ماجراهایی موهوم دارند. لیکن برخی از این شخصیت‌ها بر پایهٔ افراد تاریخی ساخته شده‌اند. از این زمره مشخص‌ترین فرد تامس دیمزدیل است که در سال ۱۷۶۷ برای مایه‌کوبی ملکه کاترین علیه آبله به دربار روسیه دعوت شد. سفر او بدون حادثه انجام گرفت و مایه‌کوبی - که همیشه عملی خطرمند بود - با توفیق همراه گشت. متأسفانه هیچ سابقه‌ای از مسابقه در برف و رویارویی دیمزدیل با حریفی قوی‌پنجه چون جیمز دایر در دست نیست.

در یکی از بعدازظهرهای گرم و ابرآلود ماه اوت، سه مرد از حیاط اصطبلی در نزدیک دهکدهٔ کاو در دُون می‌گذرند. این جمع حالت رسمی غریبی دارد: دو مرد جوان‌تر، مانند چاووشان یا یساولان، پیشاپیش میزبان خود گام برمی‌دارند، یا خیال‌آمیزتر، او را با آن پیکر درشت سیاه‌پوش و روی سرخ با لگام مالبندی نامرئی از پی می‌کشند. یکی از مهمانان انبانی چرمین در دست دارد، که در حین گام برداشتن او به سمت در اصطبل، صدای جرینگ‌خفه‌ای می‌دهد.

مرد مسن‌تر، پس از مکثی، در را می‌گشاید و پس می‌رود تا دیگران وارد شوند. هوا تاریک است و آن دو با تأنی وارد می‌شوند. اصطبل پاک رفته است. بوی اسبان، علیق، چرم و پهن، با رایحهٔ اسطوخودوس سوخته آمیخته است. به‌رغم گرمی فصل، از جسد بوی زنده‌ای در هوا نیست.

عالی‌جناب<sup>۱</sup> فکر می‌کند که شاید مری رموز حفظ پیکر بی‌جان را می‌داند. در قدیم‌الایام خدایان قهرمانان مرده را تا پایان آیین‌های تشییع و برافروختن آتش مرده‌سوزی خوش‌بو نگه می‌داشتند. بی‌تردید هنوز هم

۱. Reverend؛ عالی‌جناب. عنوان احترام‌آمیز برای روحانیون مسیحی. در این داستان به‌صورت اسم خاص برای یکی از قهرمانان به‌کار رفته است؛ در این ترجمه هر جا واژه «جناب» به‌طور مطلق به‌کار رفته، منظور کشیش لسترید است. — م.